زمین در مرکز عالم است و در برابر گنبد آسمان نقطه کوچکی است. گنبد مستدیر آسمان با ستارگانی که بر آن چسبیده‌اند (هشت یا نه فلک وجود دارد که آخرین آن‌ها فلک الافلاک نام دارد که همه ستاره‌ها روی آن چسبیده‌اند.) در هر شبانه روز یک دور از مشرق به مغرب به دور زمین می‌چرخد. خورشید، ماه و سیارات حرکاتی مضاف بر این نیز انجام می‌دهند. آن‌چه که در این نظریه مشهود است این می‌باشد که ستارگان را چسبیده بر سقف آسمان معرفی می‌کند .

شواهد موجود برای زمین مسطح نشات گرفته از جنبه‌های متفاوتی از علم و فلسفه هست. ساده‌ترین تکیه بر احساس‌هایمان است تا با کمک آن‌ها بتوانیم ماهیت گیتی را به خوبی بشناسیم. زمین مسطح به نظر می‌رسد، خورشید را می‌توانیم هر روز درحال چرخش به دور زمین مشاهده کنیم، سیارات، ستارگان و درکل تمامی اجرام آسمان به دور ما درحال چرخش هستند و هیچ حرکتی از زمین احساس نمی‌شود. این‌ها چند مثال مختصر از حس‌های‌تان بود که به شما می‌گوید بر روی یک زمین کروی درحال چرخش به دور خورشید زندگی نمی‌کنید. به این روش رویکر تجربی (مبنی بر تجربه) نیز می‌گویند که تکیه بر اطلاعات بدست آمده از احساستان دارد.

اما زمانی که برای توصیف آن‌چه در طبیعت مشاهده می‌کنیم، از تئوری‌های به دور از عقل و دشوار و حتی غیر قابل آزمایش و تکرار استفاده کنیم، می‌توانیم به خوبی در پیرامون شواهدی برای کرویت زمین پیدا کنیم.

شاید، بهترین شواهدی که بتوان برای مسطح بودن زمین ارائه کرد، آزمایشات سطح آب است. معروف‌ترین آن آزمایش سطح بدفورد است. در سراسر جهان، تاکنون هزاران آزمایش سطح آب (با استفاده از لیزر و حتی بدون استفاده از لیزر) انجام شده. شواهد بسیار زیادی از مسطح بودن سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها وجود دارد که توسط مجموعه وسیعی از آزمایشات جمع آوری شده است.

آیا زمین مسطح به دین و مذهب خاصی ارتباط دارد؟

زمین مسطح درحال حاضر در سطح بین المللی یک موضوع علمی محسوب می‌شود. درواقع وقتی شروع به صحبت درباره زمین مسطح می‌کنیم، نیاز به ارائه دلیل و برهان علمی داریم. اما در متون دینی و مرتبط با مذهب، می‌توانیم توصیفاتی از جهان پیرامونمان پیدا کنیم که تطابق فوق‌العاده جالبی با مدل زمین مسطح دارند و درواقع تاییدی بر این مدل هستند

اما باور به زمین مسطح، دلیلی بر مذهبی بودن یک شخص یا تعصب دینی داشتن نیست چرا که در سراسر جهان، حتی افرادی که هیچ دین خاصی را قبول ندارند نیز در بین زمین تخت گرایان دیده می‌شوند.

افراد زیادی تاکنون به فضا سفر کرده‌اند. چطور است که آن‌ها به مسطح بودن زمین پی نبرده اند؟

تصاویری که توسط سازمان‌های فضایی منتشر می‌شود، بیشتر جنبه پروپاگاندرا و تبلیغات دارند. بیشتر این تصاویر حاوی پیام‌های خاص زیر آستانه‌ای هستند که پیش از آن در انیمیشن‌های دیزنی شاهد آن بودیم. حتی سازمان‌های فضایی نیز خودشان اظهار می‌کنند که بیشتر تصاویری که منتشر می‌کنند کامپوزیت و غیر واقعی هستند و تنها از داده‌های زمین شناختی و ماهواره‌ای تهیه شده‌اند. هم‌چنین می‌توان از زمین مسطح تصاویری تهیه کرد که افق را منحنی نشان دهد چرا که محدوده‌ای که خورشید روشن می‌کند، به دایره شکل است و نیمه دیگر زمین تاریک است. اگر تصویری در ارتفاعات از نیمه روشن زمین تهیه کنید، افق را بصورت منحنی می‌بینید.

الگوهای آب و هوایی در زمین مسطح همانند مدل زمین کروی ایجاد می‌شوند. همگی ما می‌دانیم بادها چگونه ایجاد می‌شوند. چرخش خورشید نیز می‌تواند عاملی بر تغییرات آب و هوایی و چگالی جو باشد که باعث پدید آمدن سرما و گرما می‌شود.

اکثر مردم این تفکر غلط را دارند که زمین مسطح به معنی یک زمین بدون در و پیکر و صاف و صیقلی در فضای بیکران است و از لبه آن می‌توان آویزان شد و آب‌ها از لبه آن به پایین می‌ریزند!!! این یک تفکر قرون وسطایی است.

در قرون وسطی مردم از این‌که با کشتی به مسیر خود ادامه دهند می‌ترسیده‌اند تا از لبه‌های زمین به پایین سقوط کنند زیرا به تخت بودن زمین اعتقاد داشتند و البته معتقد بودند زمین دارای لبه است. اما این یک تفکر اشتباه است! تفکر زمین تخت مدرن جدا از تمامی این تفکرات قدیمی و البته غلط است. هیچ لبه‌ای وجود ندارد که از آن به پایین پرت شوید، بلکه زمین ما که به صورت یک دیسک تخت است توسط رشته کوه‌های یخی که امروزه به نام قطب جنوب شناخته می‌شود احاطه شده است

اتمسفر زمین شفاف نیست بلکه حالت مه مانند دارد. شما نمی‌توانید انتهای یک جاده مه گرفته را ببینید و این دلیل بر ناپدید شدن جاده توسط انحنای زمین نمی‌باشد. گه‌گاهی شکست نور باعث ایجاد خطای دید می‌شود و در یک جاده به خصوص در هوای گرم می‌توانید ماشین‌هایی را مشاهده کنید که در هوا ناپدید میشوند. این نیز نمی‌تواند دلیلی بر وجود انحنا باشد بلکه بطور کاملا واضح و شفاف خطای دید ناشی از شکست نور است.

به همان علت نیز شما نمی‌توانید قله اورست را از محل زندگیتان مشاهده کنید. در شهرها آلودگی هوا وجود دارد، در اتمسفر زمین بخار آب، گرد و غبار و... وجود دارد که مسیر دید شمارا دچار خلل می‌کند. می‌توانید به ساحل بروید و با یک دوربین یا تلسکوپ به سمت افق خیره شوید. چه چیزی را مشاهده می‌کنید؟ دید شما دچار اعوجاج شدیدی می‌شود و همه چیز را تار می‌بینید. در بین شهرها و کشورها گاه دریا و اقیانوس وجود دارد و حجم بسیار زیادی از بخار آب در این بین مانع دید می‌شود. کوهستان‌ها و پستی بلندی‌ها موانع طبیعی‌ای هستند که مانع دید شما می‌شوند.

زمین یک سیاره نیست. چه عواملی باعث می‌شود که تصور کنیم زمین سیاره است؟ زمین شباهتی به سیارات ندارد. تمامی سیارات کاملا گرد و کروی هستند (به آن شکل که در آسمان به نظر می‌رسند) اما در تحقیقات جدید، اینطور ادعا شده که زمین کاملا کروی نیست (بیضی یا تقریبا بی‌شکل) و می‌توانید با یک سرچ ساده درباره آن اطلاعاتی کسب کنید. اگر زمین کاملا کروی نیست و هیچ جسم کاملا کروی‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد، پس چرا تمامی سیارات را به شکل کروی می‌بینیم؟ زمین ویژگی‌های یک سیاره را ندارد. آیا میزان گرانش برای تمامی سیارات و اجرام آسمانی در زمان تشکیل و شکل گیری به یک اندازه بوده که همگی آنان شکل و فرم کروی کامل و زیبایی گرفته اند؟

طبیعت میل به کروی ساختن اجرام آسمانی دارد. به عنوان مثال به غیر از سیارات، ماه، خورشید، ستارگان کروی شکل هستند. اما مشکل این است که شکل صحیح ستارگان قابل تشخیص نیست. ما تنها نقاط نور درخشانی را در آسمان مشاهده می‌کنیم و شکل درستی از آنان در دسترس نیست. منکر کرویت ستارگان نیستم اما نمی‌توان این را با اطمینان تایید کرد و نتیجه گرفت چون ستارگان کروی هستند، زمین نیز کروی است.

درباره ماه، شاید تعجب کنید اما هیچ شواهدی از کرویت ماه وجود ندارد. ماه بیشتر شبیه به یک جسم دیسک مانند و تقریبا محدب است. ما نمی‌توانیم سمت دیگری از ماه را مشاهده کنیم (برای خورشید نیز به همین صورت است) و به همین علت تئوری‌هایی ایجاد شده که می‌گوید ماه نمی‌تواند کروی باشد. آزمایشاتی نیز در رابطه با شبیه سازی ماه گرفتگی انجام شده که در آن شکل دیسک مانند ماه تطابق کاملی با آن‌چه در طبیعت مشاهده میکنیم داشته و آزمایش برای شکل کروی دارای اشکال و ایراد بوده بطوری که سایه ایجاد شده بر روی ماه (فرض سایه زمین) توسط سطح منحنی ماه دچار خمیدگی میشده است. بهرحال این‌که بگوییم همه چیز در طبیعت کرویست کاملا اشتباه است. این به نوعی یک نوع استدلال استقرایی است. یعنی مشاهداتی که از یک محیط محدود یا اجسام مد نظرمان داریم، به کل یک مجموعه و سیستم تعمیم دهیم.

به عنوان مثال کودکی را تصور کنید که در یک کشتی به دنیا آمده و چشم گشوده است و هرچه دیده سطح وسیعی از آب بوده است و با خشکی مواجه نشده است. این کودک تصور می‌کند تمام جهان با آب پر شده است و تنها این کشتی است که بر روی این آب‌ها حرکت می‌کند و مکان دیگری برای زندگی وجود ندارد. چنین استدلالی کاملا غلط است. این استدلال مشابه همان مشاهده سیارات و نتیجه گیری درباره زمین است.

به عنوان مثال زمانی که شما در نیمه شمالی آمریکا هستید، تصویر متفاوتی از آسمان نسبت به نیمه جنوبی آمریکا می‌بینید و زمانی که به نیمه جنوبی آمریکا سفر کردید، متوجه تغییر آسمان خواهید شد.

این کاملا درست است اما آیا همانطور که مدعیان کرویت زمین میگویند، علت آن انحنا زمین می‌باشد؟ خیر قطعا اینطور نیست. در اولین مواجه با زمین مسطح، مردم تصور می‌کنند که این مدل قادر به توضیح طلوع و غروب خورشید و ماه و ستارگان نمی‌باشد اما این نتیجه گیری حاصل در نظر نگرفتن مهم‌ترین پارامتر موجود در طبیعت، اتمسفر زمین است. همانطور که قبل‌تر با خواص اتمسر زمین آشنا شده‌اید، اتمسفر زمین شفاف نمی‌باشد و برای ناظران محدودیت دید ایجاد می‌کند.

این محدودیت دید تنها به پوشاندن و مه آلود کردن افق محدود نمی‌شود بلکه به علت چگالی‌های مختلفی که هرکدام از لایه‌های اتمسفر زمین دارند (از غلیظ و متراکم‌ترین تا رقیق‌ترین)، نور دچار چندین شکست مختلف در مسیر خود به سوی چشمان ناظر می‌شود.

همانطور که می‌دانید، برای دیده شدن یک جسم، لازم است که نور از سوی آن جسم به چشمانمان برسد تا برایمان قابل رویت باشد. بنابراین زمانی که نور از چندین محیط با چندین چگالی مختلف وارد متراکم‌ترین محیط (لایه موجود در سطح زمین) می‌شود تا به چشمانمان برسد، دچار نوعی خمش و شکست می‌شود و این اتفاق برای اجرام نجومی‌ای که در افق قرار دارند رخ میدهد چرا که نور این اجرام از سوی افق به سوی چشمان ما، مسیر بیشتری را باید به نسبت زمانی که درست در بالای سرمان قرار دارد، طی کند. تصویر ساده زیر برای درک بهتر است:

تصویر بالا ناظری را ایستاده بر روی زمین نشان میدهد. ستاره Aدرست بر فراز سر ناظر قرار دارد و همانطور که می‌بینید مسیری که نور از ستاره A به سمت ناظر طی می‌کند بسیار کوتاه‌تر از مسیری است که نور از ستاره B به سمت ناظر طی می‌کند و بنابراین دچار خمش و شکست بیشتری می‌شود و حتی محیط بر رنگ آن نیز تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود اجرام نجومی در افق به رنگ نارنجی یا قرمز رویت شوند

و حتی تصویرشان نیز دچار اعوجاج شود چرا که نور مسیر بیشتری را از میان تمامی گرد و غبارها، بخارات و محیط‌های متراکم گذرانده است.

گنبد آسمان مانند یک مانع جامد عظیم است و تا حدودی شبیه یک کریستال است. ظرافت آن به طوری فوق‌العاده است که مانند یک اَبر شاره رفتار می‌کند. تمام جامدات تا حدودی مایع نیز هستند. هر دسته از فریم‌های شبکه بندی شده (مانند فوتون، نوترینو، پروتون، اتم، مولکول، ستاره، کهکشان و...) به هیچ موقعیت ثابت (مشخص شده) در ماتریس گنبد آسمان متصل نیستند بنابراین باید نسبت به گنبد آسمان به گونه‌ای چرخش و حرکت داشته باشند. به همین ترتیب، کل شبکه، که مجموعی از ستارگان و کهکشان‌هاست، می‌تواند به عنوان یک نهاد مستقل از گنبد آسمان تلقی شود که درحال چرخش است

در دنیای امروز ما برای هرچیزی باید پول پرداخت کنید. یکی از این موارد برق است. وسایل برقی و سیستم‌های برق رسانی بر اساس انرژی و برق محدود تنظیم شده‌اند و مردم در سراسر جهان باید برای داشتن برق پول پرداخت کنند اما نیکولا تسلا سال‌ها قبل به حقیقت وجود گنبد آسمان پی برده بود و اعتقاد داشت انرژی الکتریکی در همه جا وجود دارد و هرگز تمام نمی‌شود.

تسلا برج واردنکلیف را ساخت و توانست انرژی الکتریکی را بدون سیم انتقال دهد و البته انرژی الکتریکی‌ای که تسلا به آن دست پیدا کرده بود برای انسان بی‌ضرر بود و البته کاملا رایگان بود و اگر این پروژه تسلا عملی میشد دیگری دولت‌ها و سازمان‌های در پشت پرده سود نمی‌کردند برای همین موضوع پروژه انرژی رایگان تسلا کاملا باطل شد و از بین رفت تا با روی کار آمدن انرژی محدود بتوانند سود کنند.

آن‌ها از چند قرن پیش یک مسیر تکاملی از دروغ ایجاد کردند که به تدریج رشد کرد. کرویت زمین یکی از دروغ‌های گفته شده می‌باشد. پایه و اساس تمدن و علم امروزی بر دروغ است. دانشمندانی که در اختیار دولت‌ها هستند و پول میگیرند تا مطالبی را عنوان کنند و به اثبات فرضی برسانند به عنوان مثال در کتاب نیروی بی‌کران از آنتونی رابینز، او بیان می‌کند که دانشمندان علم زیست شناسی‌ای که او با آن‌ها گفتگو کرده اعلام کرده‌اند که پول گرفته‌اند تا دروغ‌هایی را به عنوان حقیقت بیان کنند.

هر مطلبی که در عنوان آن نام دانشمندی ذکر شده است را باور نکنید. آن‌ها از کودکی به شما یاد می‌دهند یک پدیده فقط به این دلیل اتفاق می‌افتد و چون شما از کودکی با این تفکر بزرگ شده‌اید و به مدرسه و دانشگاه رفته‌اید خود به خود این دروغ برای شما تبدیل به حقیقت می‌شود و آن را باور میکنید و این کنترل ذهن است.

البته تمامی دانشمندان با یک‌دیگر در همدست نمی‌باشند و این یک تفکر اشتباه است. بیشتر دانشمندانی که امروزه تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری انجام می‌دهند، همانند همگی ما دوران مدرسه و دانشگاه را گذرانده‌اند و از قبل به کرویت زمین و چرخش آن به دور زمین باور دارند و در این مورد برایشان هیچ سوالی ایجاد نمی‌شود چرا که این موضوع را یک موضوع حل شده میدانند و علت مخالفت یا بی‌توجهی آنان نسبت به این مسائل همین است. بیشتر کشورهایی که سازمان فضایی چندان فعالی ندارند (مانند ایران) ممکن است که از حقیقت امر بی‌خبر باشند و درباره مسطح بودن زمین چیزی ندانند چرا که قوانین همان قوانین است و می‌توانند ماهواره و کاوشگر پرتاب کنند اما اطلاع یافتن از شکل زمین حتی اگر تصاویری از فضا تهیه کنند، برایشان غیر ممکن است چرا که همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم افق از ارتفاعات منحنی به نظر میرسد و البته اثبات مسطح بودن زمین نیازی به ارسال ماهواره یا کاوشگر ندارد

و باید پروژه‌هایی در سطح زمین انجام شود تا بتواند پیشرفتی در این مسیر داشته باشد.

تَبَارَکَ الَّذِی جَعَلَ فِی السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِیهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِیرًا * ﴿61﴾ سورة الفرقان

[فرخنده و] بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد و در آن چراغ و ماهی نوربخش(منیر) قرار داد

خداوند ماه را یک بازتاب دهنده توصیف نکرده بلکه ماه منیر توصیف شده. اجسام منیر اجسامی هستند که خودشان نور تولید می‌نمایند و اجسام غیر منیر آن گروهی هستند که نور تابیده شده به خود را انعکاس می‌دهند تا به چشم ما برسد. در قرآن ماه منیر توصیف شده است.

این حقیقت که در قرآن نیز به آن اشاره شده، توسط روش‌های علمی بسیاری قابل اثبات است. ما می‌توانیم با مشاهده و آزمایش علمی پی ببریم که نور ماه بازتابی نیست و ماه نور خاص خودش را دارد. دکتر سموئل برلی روبوتهام در کتاب خود درباره نور خورشید و ماه و تفاوت این دو توضیح میدهد که به کل تئوری بازتابی بودن نور ماه را زیر سوال میبرد:

یک بازتاب دهنده نور خورشید هرگز سرما تولید نمی‌کند(زمانی که منبع گرمایی به آن می‌تابد). وقتی نور قرمز دریافت می‌شود، دوباره همان نور بازتاب می‌شود (قرمز) و تبدیل به نور سبز، آبی یا زرد نمی‌شود.

اگر ماه بازتاب دهنده نور خورشید باشد، نمی‌تواند چیزی جز آن‌چه از خورشید دریافت می‌کند را به زمین منتقل کند. هیچ تفاوتی نمی‌تواند در کیفیت و سرشت(طبیعت) این نور وجود داشته باشد.

پس از آن، برای دانستن این‌که آیا ماه یک بازتاب دهنده نور است یا خیر و صرفا برای اطمینان، باید برخی پارامترهارا بررسی کنیم.

اول این‌که نور خورشید به طور کلی و معمول سوزاننده، شدید و طلایی است. اما نور ماه کم رنگ، نقره‌ای (یا سفید) و ملایم است و شدتی ندارد.

دوم این‌که نور خورشید گرم، خشک کننده، نگهدارنده یا به نوعی ضد عفونی کننده است. هرچیزی که در معرض نور آن قرار بگیرد خشک(از نظر رطوبت) و گرم می‌شود و تمایل به متلاشی شدن و تجزیه شدن و فساد را از بین می‌برد. از این رو، انگور و سایر میوه‌ها زمانی که برای مدت طولانی در معرض نور خورشید قرار می‌گیرند، خشک و سخت می‌شوند و آب خود را از دست می‌دهند. خرما، انگور، زردآلو، انجیر، سیب، هلو و حتی گلابی، جزو میوه‌هایی هستند که با خشک کردنشان با استفاده از نور خورشید، pHشان را پایین و طول مدت ماندگاری‌شان را بالا می‌برند. از همین جهت، احتمال فاسد شدن ماهی و گوشت با توجه به قرار گرفتن در نور خورشید، بسیار پایین است.

اما ماه سرما بخش، مرطوب و نمناک، نقره‌ای رنگ (نور نقره ای)، باعث فساد و سپتیک است. مواد غذایی و گیاهی‌ای که در معرض نور ماه قرار میگیرند دچار فساد می‌شوند. حتی موجودات زنده‌ای که برای مدت بسیار طولانی در معرض پرتوهای نور ماه قرار می‌گیرند، دچار علائم و احساسات ناخوشایندی می‌شوند. و البته موارد بسیار دیگر…

نور ماه و نور خورشید دو نور متفاوت با ویژگی‌های خاص خود هستند. اما آیا ادعای روبوتهام مبنی بر تفاوت نور خورشید و ماه قابل اثبات است؟ البته که قابل اثبات است. "در لنست (ژورنال پزشکی)، برای 14 مارچ 1856، چندین آزمایش انجام می‌شود که اثبات می‌کند وقتی نور ماه با لنز یا عدسی در جایی متمرکز می‌شود، دمای محیط را بیش از 8 درجه کاهش می‌دهد و این با دماسنج قابل تست است. جالب‌تر این‌که نور خورشید وقتی در پروسه‌ای مشابه با استفاده از لنز در جایی متمرکز می‌شود، دما را افزایش میدهد اما نور ماه برعکس عمل می‌کند. ماه با نور سرد و متفاوت خود هرگز نمی‌تواند دارای نوری بازتابی باشد. بنابراین ماه نور خورشید را منعکس نمی‌کند و این نشان می‌دهد ماهیت ماه چیز دیگری است".

در 1784 بالن هوای گرم اختراع شد و برای اولین بار در تاریخ ثبت شده، مردم قادر بودند در مایل‌ها بالاتر از سطح زمین معلق باشند. بسیاری از مردم شگفت زده بودند زیرا هرچقدر بالاتر میرفتند افق هم‌چنان بطور 460 درجه صاف به نظر میرسید.

James Glaisher در کتاب خود با عنوان سفر در هوا می‌نویسد: "وقتی از بالای اتاقک بالن به افق نگاه کردم، افق کاملا تخت و صاف به نظر می‌رسید و یک منظره فوق‌العاده وسیع در زیر قابل مشاهده بود، من کاملا حیرت زده شدم! زمین بیش از حد و کاملا صاف به نظر می‌رسید"

ویکتور امانوئل اول نیز یکی دیگر از کسانی بود که سوار بر بالن شد و نوشت: "چیزی که مشاهده کردم کاملا در تضاد با انتظارم بود، چون افق کاملا صاف بود"

اصول فیزیک در حقیقت بیشتر از آن که کروی بودن زمین را تایید کنند بر تخت بودن آن صحه می‌گذارند و چیزی که در این عرصه قابل بررسی است در واقع همان زمین تخت است؛ زیرا هیچ اثباتی برای این که نشان دهیم زمین حرکت می‌کند و دور محور خودش می‌چرخد وجود ندارد. برای مثال، وقتی با هواپیما فاصله رم تا تهران را می‌پیماییم اگر زمین دور خودش بچرخد باید در مسیری منحنی حرکت کنیم درحالی که هواپیما همیشه در خطی مستقیم حرکت می‌کند نه خطی منحنی.

امروزه با امکانات بسیار زیاد و پیشرفته به این موضوع پی می‌بریم که زمین کاملا تخت و ثابت است، درست همانگونه که تمدن‌های گذشته اعتقاد داشتند و احساس و چشمان ما به ما گفته بودند. بله افق کاملا صاف و بدون انحنا است. اصلا مهم نیست در چه ارتفاعی باشید! افق کاملا صاف است. چه کنار ساحل باشید چه بر بالای اورست یا در هواپیما و حتی اگر با بالن‌های آماتور و موشک‌ها به بالاترین نقطه برسید افق باز هم در دید 460 درجه کاملا صاف و تخت است.

در زمین کروی مهم نیست آن را چقدر بزرگ فرض کنید، وقتی ارتفاع بگیرید و ارتفاع شما از 40 کیلومتر بیشتر شود افق باید انحنا داشته باشد و وقتی حتی در سطح زمین به سمت افق نگاه می‌کنید همه چیز را بصورت شیب‌دار مشاهده کنید. همانطور که در مقالات قبلی اشاره کردیم هر آزمایشی که برای اثبات حرکت زمین انجام شد با شکست مواجه شد و تنها ثابت کرد زمین حرکتی ندارد و کاملا ثابت است هم‌چنین آزمایشاتی که برای اثبات انحنای زمین انجام شد ثابت کرد سطح زمین کاملا صاف است و انحنایی وجود ندارد. شما در یک نظام هدفمند زندگی می‌کنید یک جهان برنامه ریزی شده و هوشمند. نه از ماهی تکامل یافتید و نه جد مشترکی با میمون‌ها داشتید، شما بر روی یک کره زندگی نمی‌کنید بلکه در مکانی خاص هستید

شما آفریده‌ای خاص هستید مهم نیست چقدر حرف‌های من برای برخی خنده دار باشد مهم این است که با خندیدن و تمسخر حقیقت عوض نمی‌شود.

زمین تخت گرایان مدعی هستند زمین مانند یک حجم دیسکی شکل صاف و مدور است، قطب شمال در مرکز این دیسک قرار گرفته و قطب جنوب نیز دور محیط این دیسک دامن گسترده است. البته برخی زمین تخت گرایان ایرانی معتقدند که کوه قاف افسانه‌های ایرانی در همین قطب جنوب زمین تخت است.

ادعا می‌شود زمین تخت دیسک شکل توسط یک گنبد محافظت می‌شود. خورشید و ماه درون این گنبد قرار گرفته و در مدار مشخصی در حال چرخش هستند و در فاصله نزدیک از سطح زمین قرار دارند. کهکشان‌ها، ستارگان و سایر اجرامی قابل مشاهده در آسمان به سقف این گنبد غیرقابل نفوذ چسبیده‌اند.

زمین تخت گرایان معتقدند محو شدن کشتی‌ها در خط افق یک حقیقت عینی نیست و توضیح زمین کروی برای آن فقط و فقط «یک دروغ» است. کوه‌ها، کشتی‌ها و اشیا در فواصل دور فقط از دید چشم ما خارج می‌شوند و هیچ ارتباطی به محو شدن در زیر خط افق ندارد.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

آسمان‌ها و زمین را به حق و راستی (و برای حکمت و غرض ثابتی) ایجاد کرد، شب را بر روز و روز را بر شب بپوشاند و خورشید و ماه را مسخر کرده، هر یک (بر مدار خود) به وقت معیّن گردش می‌کنند. آگاه باشید که او خدای مقتدر مطلق و بسیار آمرزنده است.

یُكَوِّرُ: درهم می پیچد (کلمه تکویر که مصدر فعل کورت است به معناي پیچیدن چیزي، و به شکل مدور در آوردن آن است، نظیر پیچیدن عمامه بر سر)